



www.
www.
www.
www.

Ghaemiyeh

.com
.org
.net
.ir

آقای مهدی! سلام

نویسنده: حمیدرضا خانی
تصویر: حکیم سیده زهره ابراهیمی



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

آقا مهدی! سلام

نویسنده:

حمیده رضایی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعد (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	آقای مهدی! سلام
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۷	آقای مهدی! سلام
۱۸	درباره مرکز

عنوان و نام پدیدآور: آقامهدی!سلام/نویسنده: حمیده رضایی

مشخصات نشر: قم: بناد فرنگی، حضرت مهدی موعود(عج): مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهري: ۱۱ ص:

فروست: بنیاد فر هنگی، حضرت مهدی موعود(عج)؛

و ضعف فهم سنته يسرد، انتظار فهم سنته يسرد (اطلاقات ثبت)

شماره کتابشناسی: ۲۸۴۵۹۵۵

18

۱۷



تو منتظر هستی

هیشنه صحنهای جمعه که از خواب بیدار می شدم، بابا نبود. مامان می گفت: بابا به دعای ندبه رفته، با خودم فکر می کردم چرا بابا همین جاتوی خانه دعایش را نمی خواند؟ چرا جمعه ها که سر کار نمی رود، کمی بیشتر نمی خوابند؟

یک بار صحنهای جمعه زودتر بیدار شدم، بابا می خواست برود که جلوی راهش را گرفتم. دلم می خواست زودتر جوابم را بشنوم. بابا من را کنارش نشاند و گفت: پسرم! دعای ندبه را توی خانه هم می شود خواند؛ اما اگر دست جمعی خوانده شود، خیلی قشنگ تر است. فکرش را بکن، یک عالمه آدم همه با هم هی او را صدا کنند، هی اسمش را ببرند، هی بگویند: «ای آقای مهربان بیا!» قشنگ نیست؟

آن روز من هم همراه بابا به دعای ندبه رفتم و اسمهای قشنگ تو را صدا زدم. حالا دیگر صحنهای جمعه خوابم نمی برد؛ می دانم تو یک جایی منتظرم هستی، مگر نه؟

منتظرم باش: یاسین



راه خانه تو



صبح جمعه بود. من و مامان و عمه حمیده از دعای ندبه بر می‌گشتم. دیشب یک عالمه باران آمده بود و همه کوچه‌ها و خیابان‌ها را خیس خیس کرده بود.

عمه حمیده هی چادرش را بالامی کشید تاکلی شود. من از مامان پرسیدم: «مامان! نمی‌شود رفت پیش امام زمان؟» مامان کمی نگاهم کرد و گفت: «عزیزم! خبلی راه‌ها هست که به امام زمان می‌رسد.» عمه حمیده خنده دید و گفت: «البته اگر مثل این جا پر از چاله بنشد که سر تا پایت گلی شود!» مامان خنده دید. من با تعجب پرسیدم: «مگر راه خانه امام زمان هم خراب است؟!» مامان سرم را بوسید و گفت: «نه عزیزم، راه خانه او تمیز و سالم است. به شرط این که ما خرابش نکنیم!»

گفتم: «چه طوری؟» مامان گفت: «با کارهایمان، هر کار بدی که بکنیم، هر حرف بد یادروگی که بگوییم، مثل این است که سر راه خانه‌اش یک چاله کنده‌ایم.» عمه حمیده گفت: «آن وقت اگر هم بروی پیش‌اش، همه لباس‌هایت خیس و کثیف است و خانه او را هم کنیف می‌کنی.»

مامان خنده دید و گفت: «هیچ صاحب خانه‌ای از مهمان کثیف و شلخته خوشش نمی‌آید.»

آقای مهدی!

من دلم نمی‌خواهد یک مهمان شلخته باشم. لطفاً کمک کن تا دروغ نگویم. با بجه خاله مریم دعوا نکنم. دفتر نقاشی همکلاسی‌ام را خط خطي نکنم. کمک کن موظب راه خانه تو باشم. دلم می‌خواهد وقتی به خانه تو می‌آیم تمیز تمیز باشم.

خیلی دوست دارم، ملیکا.



لطفاً خوشحال باش!

چند شب پیش وقتی تازه می‌خواستیم بخوابیم، یک دفعه زنگ خانه‌مان را زدند. بابا زود رفت دم جلوی دربو.

زهرا گفت: «این موقع شب چه کار دارد؟» مامان گفت: «نکند اتفاق بدی اتفاذه!» آقای محمودی داشت می‌گفت که حال بجهاش خیلی بد است. بکرده و باید زود برسانیم اش به دکتر بابا همان موقع لیاس‌هایش را پوشید و باورفت. مامان گفت که بابانیمه‌های شب برگشت، گفت که بجه آقای محمودی را در پیمارستان نگه داشته‌اند.

از آن شب خانه‌ای مایک طوری شده. مثل وقت‌هایی که من بآجی زهراء میریش هستیم.

بابا میشه‌می‌گوید:

«وقتی یک نفر غم و غصه دارد، همه باید کمک کنند تا مشکل اول حشود یا برایش دعاکنند. من هم دیروز صبح توی دعای ندبه برای بجه آقای محمودی دعاکردم: اما تازه فهمیدم امام زمان هم ناراحت است. آخر آن آقایی که دعای خواندهش می‌گفت: آقا طحیور راحت باشم وقی تواین همه غم و غصه داری؟» وقتی از دعا بدرمی‌گشتم از بابا پرسیدم: «بابا! امام زمان چرا ناراحت است؟»

بابا گفت: «به خاطر غصه‌های ما و این که نمی‌تواند طهور کند و بیاید. گفتم: «خب چرا نمی‌تواند بیاید؟ بابا

سرش را باین انداخت و گفت: «برای این‌که بغض آدم‌ها هنوز کارهای بدشان را کار

نگذاشته‌اند. هنوز دروغی گویند و خرفهای بدیم زند». امام زمان خوب!

ما بجه‌ها تورا خیلی دوست داریم قول می‌دهیم از این به بعد کارهای خوب بیشتری

بکنیم. من امروز صبح توی مدرسه به بجه‌ها گفتم که بیایند همه باهم یک عالم

کار‌خوب بکنیم. این طوری امام زمان زودتر می‌آید.

لطفاً تو هم همه کارهای خوب دنیا را به ما بادبد. راستی! قول بده

دیگر ناراحت نباشی و زودتر بیایی. باشد؟

لطفاً خوشحال باش : محمد

۷

۶



سوزمین بهشتی

تابستان کمک دارد تمام می‌شود و چند روز دیگر مدرسه‌ها باز می‌شوند. ما امسال به شهرهای زیادی رفتیم، اصفهان، شیراز، یزد.

همه‌شان یک عالمه جای دیدنی داشتند. مثل سی و سه پل اصفهان، مثل دروازه قرآن شیراز یا بادگیرهای یزد. همه‌ی این شهرها قشنگ بودند؛ فقط جای تو توی همه‌شان خالی بود.

می‌دانم یک روز تومی آیی و همه دورت جمع می‌شویم. آن روز دیگر هیچ کس هیچ غم و غصه‌ای ندارد. آن روز همه شاد و خوشحال‌اند.

مامان می‌گوید؛ توکه بیایی همه جا پر از آرامش می‌شود؛ مثل بهشت.

امام مهدی!

من نمی‌دانم توکی می‌آیی؛ فقط می‌دانم وقتی بیایی دیگر هیچ فقیری توی دنیا نیست. هر کس هر چه دلش بخواهد دارد.

آدم‌هادیگر هم‌دیگر را ذیت نمی‌کنند.

آقای مهدی!

مامان همیشه سر نماز برای آمدن تو دعایم کند.

من هم دوست دارم تو روز دن بیایی.

کاش توی همه شهرهای یک جای قشنگ بود که آدم را یاد تومی انداخت. مثل بازچه هاکه آدم را یاد باغهای پر از گل می‌اندازد!

منتظر دیدن هستم؛ مهدیه

⑧

⑨

چشمی برای دیدن

دیروز وقتی بامان از دعای ندبه برگشتم، من زور قدم جلوی آینه داشتم بایک دستمال چشم خودم را می پستم که مامان با تعجب جلو آمد و گفت:

«مرضیه اداری چه کار می کنی؟!» گفتم: «خوب آن آقا گفت: خیلی بد است که همه چیز را می بینم غیر از امام زمان. خودش گفت چشمها بایمان را بیندیم و وقتی او آمد بازش کنیم». مامان همین طور که می خندید جلو آمد و چشم های مرأة بوسید و گفت: «عزیزم! منظور او این نبود که بایک چیزی چشمان را بیندیم. منتظرش این بود که به هر چیزی نگاه نداشیم؛ چون هر چیزی ارزش نگاه کردن ندارد. اصل نگاه کردن به بعضی چیزها حرام است؛ مثل نگاه کردن به نامحرم». دوباره پرسیدم: «اگر آن چیزها خوب نیست یا نگاه کردن به آنها گناه دارد، پس چرا خدا آن ها را آفریده؟»

مامان با خنده گفت: «جون می خواهد بنده های خوب و بدش را بشناسد. می خواهد بینند چه کسی واقعاً به حرف او گوش می دهد. درست مثل دوستان امام زمان که به حرف های خدا و امام زمان شان گوش می دهند».

مامان می گوید: «اگر با چشمها بایمان امام زمان را نمی بینیم؛ به جایش می توانیم با دلمان او را بینیم. ای امام خوب!

من قول می دهم کارهای خوب بکنم، تو هم به خدا بگو یکی از آن دلها را به من بدهد؛ از همان هایی که می شود با آن تورادید.

منتظر هوایت هستم: مرضیه





بسمه تعالیٰ

هلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ ه.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سرہ الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل الیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عame مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتواهای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهنی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. بر هیز از موازی کاری
۴. صرف ارائه محتواهای علمی
۵. ذکر منابع نشر

بدینه است مسؤولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزو و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید آنیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiye.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خود کار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مریب (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قبل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهای همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف باری نموده و یا دینا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱-۸۸۳۱۸۷۲۲

بازارگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



www



برای داشتن کتابخانه های شخصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹